

## روزنامه و روزنامه‌نگاری. (۱)

ترجمه از مجموعه « ابوالعباس توفیق » .

بسیاری از اختراعات هست که هنوز مخترعین آنها را نشناخته‌اند. ایجاد قوه بخار، خط، باروت، کاغذ، پول، را نمیدانیم بکدام يك از اشخاص که تاریخ بما معرفی مینماید نسبت بدسیم. مثلاً جیمزوات (۲) تطبیقات بخار را پیدا کرد، اما این خاصه طبیعی چندین قرن قبل از وی معروف بود. این قسم کشفیات آنقدر بزرگ است که تاریخ از انتساب آنها بیک شخص بلکه بیک ملت امتناع مینماید. چون میداند در این مسائل حکم عادلانه دادن مشکل است آنها را بعموم انسانیت منسوب میدارد. مسئله « روزنامه » که موضوع بحث ماست از همین مکتشفات مهمه است. معلوم نیست شخصی که روز اول طرح این کار را ریخته کیست.

اگر چه نخستین کسی که وظایف روزنامه را معین کرده و آنرا بحالت امروزی بشر نموده رنودو (۳) است، لیکن از اطلاعات آتیه مفهوم میشود که خیلی وقت پیش از او ترتیب « نشر وقایع و اخبار » در اکثر جاها معمول بوده است. در اینجا رنودو از هر جهت به جیمزوات شبیه است. چنانچه تطبیقات قوه بخار روابط تجارتي و صنعتی عالم را تقویت کرد، روزنامه نیز مناسبات معنوی و تبادل افکار را بوجود آورد. با کمال قوت قلب میتوان گفت که روزنامه معیار ترقی و میزان تکامل جمعیتی است که در میان آنها منتشر میگردد.

تبعات تاریخی بما نشان میدهد که اولین ورقه حوادث موسوم به کانجیان در سال ۹۱۱ میلادی در پکن (۴) پایتخت چین تأسیس شده و از آن زمان تا کنون باقی مانده و این اوقات روزی دوبار در دو کاغذ زرد و رنگاری چاپ میشود.

(۱) مجله بهار، سال اول، شماره‌های ۱-۲-۵ و ۶، مورخ اردیبهشت و خرداد و شهریور و مهر

۸۳۲ جلالی، صفحات ۱۹ و ۸۰ و ۲۸۳.

(۲) James Watt، مکاتبین انگلیسی، مخترع ماشین بخار (۱۷۳۶-۱۸۱۹ میلادی).

(۳) Théophraste Renaudot، طیب فرانسوی (۱۵۸۶-۱۶۵۳).

(۴) Pei-Ping یا Pékin

در آتن (۱) قدیم ورقه‌های باسم اقیمه ریفس ؛ در عهد ژول سزار (۲) قیصر روم ورقه‌های بنام آکتاد بورنا (۳) به وقایع نگاری اقدام مینموده است .

در آلمان و فرانسه و انگلیس نیز همین طورها اوراق حوادث موجود بوده است، اینها از هیچ جهت به روزنامه‌های امروزه شباهت نداشتند، اما همین کاغذپاره‌ها با آنهمه نواقص سبب شدند که روزنامه درست بقاعده اظهار وجود نماید و خود را نشان بدهد . همانا اول کسیکه افتخار دایر نمودن يك روزنامه مرتب را کسب کرد و دستور آن را وضع نمود رنودو بود .

### رنودو .

روزنامه که از بزرگترین احتیاجات مدتیّه است در اوایل قرن هفدهم وجود نداشت . خیلی پیش از آنکه روزنامه در فرانسه صورت رسمیت پیدا کند، ورقه‌ای که «نووهل آلامن» (۴) نامیده میشد انتشار مییافت . در ۱۶۳۱، طیبی رنودو نام ، اوصاف متمیزه و خصایص روزنامه را کشف کرده به تاسیس «کازت دو فرانس» (۵) موفق گردید . رنودو روزنامه را برای ترویج پولیتیک (۶) کاردینال دوریشلیو (۷) حامی نافذ الامر خویش که در آنوقت صدراعظم فرانسه بود دایر کرد . در مسافرتی که رنودو به ایتالیا نمود خیال نوشتن روزنامه در خاطرش قوت گرفت . در مراجعت به پاریس تصورات خود را به کاردینال بیان کرد . ریشلیو که از تجاوزات اشخاصی که بر مسلک سیاسی او اعتراض مینمودند در زحمت بود و نمیخواست با معترضین مجادله علنی بکند، تصور رنودو را تصدیق نموده برای خود سلاح مدافعه‌ای بدست آورد .

از رنودو نباید مؤاخذه کرده بگوئیم چرا روزنامه خود را آلت اجرای مقاصد ریشلیو ساخت . در ۱۶۳۱ وقتی که مشارالیه باین کار داخل شد همه میدانستند که او از هواخواهان کاردینال است . در حق این مرد حرفها زدند و شهرت دادند و او را بنام «خادم ریشلیو» خواندند ، اما رنودو بوطن و مملکت خودش خدمت میکرد . در آن تاریخ

(۱) Athènes ، شهر عمده یونان قدیم .

(۲) Jules César ، دیکتاتور روم و یکی از بزرگترین سرداران ادوار قدیمه (۱۹۱-۴۴ قبل از میلاد) .

(۳) Acta Diurna .

(۴) Nouvelles à la Main . (۵) Gazette de France . (۶) Politique سیاست .

(۷) Cardinal de Richelieu ، وزیر لوئی سیزدهم و یکی از بزرگترین مردان سیاسی فرانسه



هیچکس بیشتر از ریشلیو طالب سعادت فرانسه نبود . مثل کران 'کنده' (۱) شاهزاده با آن اصالت نسب و شرافت مقام که یکی از سردارهای دلیر نامور و مایه امید و نجات فرانسه بود ، محض حفظ فایده و غرض شخصی خودش به اردوی دشمن ملحق شد ! ریشلیو که تا دم مرگ برای ترقی فرانسه کوشش مینمود ، همینکه سربالین احتضار نهاد بکشیشی که بجهت شنیدن اعترافات وی آمده بود گفت : « غیر از دشمنان فرانسه کسی با من دشمن نیست » . گذشته از اینکه این ملاحظه محل شرف رنودو نمیشود ، بقای روزنامه و انتشار آن حمایت کاردینال را لازم داشت ، و این مسئله در ردیف ضروریات اولیه بود . بالجمله « گازت دو فرانس » در ماه مه ۱۶۳۱ میلادی منتشر گردید .

از رسیدگی بمعنی « گازت » معلوم میشود که اهالی وندیک نیز در روزنامه نگاری دخالت داشته اند . ورقه ای که گاهی در آنجا چاپ میشده به یک « گازت » که سگه رایج آن زمان بود بفروش میرسیده ، این قسم اوراق مطبوعه متدرجاً باین اسم نامیده شده اند . نمره اول روزنامه عبارت بود از چهار سحیفه کوچک ، روزهای شنبه چاپ شده ، هر ورقی به دو لیار (۲) فروخته میشد . در فوریه ۱۶۳۲ ضمیمه ای بهمان اندازه بر ورق اول افزوده گشت ، در اینحالت روزنامه به یک سو (۳) بفروش میرفت .

رنودو در دو سال اول با ترتیب خوبی روزنامه را اداره کرد ؛ امتیاز روزنامه نویسی از طرف شاه باو داده شد ؛ هشتصد لیره نیز مواجب در حق او مقرر گردید ، رنودو در این خصوص میگوید : « اعلی حضرت شاه هشتصد لیره با اداره روزنامه مرحمت کردند و رعایت بزرگی به بودجه مملکت فرمودند ، اولیای دولت برای اطلاع یافتن از وقوعات ولایات و ابلاغ احکام باطراف میبایست پولهای بسیار خرج کنند ، روزنامه آنها را از قبول این تحمیلات آسوده میکند و نمیکند وقت متصدیان امور ضایع شود » .

رنودو در مطالب روزنامه از خود تصرفی نمیکرد و هر چه از کاردینال میگرفت همان را مینوشت . در ۱۶۳۲ سلیقه او تغییر کرد ، بر ضد اشخاصی که با او خصومت داشتند مقاله های مینوشت و بایک مسلک قریب به تنقید کریتیک (۴) آنها را دنبال مینمود . در موقع تقدیم مجموعه سالیانه روزنامه بحضور شاه این مقدمه را در جواب عیب جویان و نکته گیران

(۱) Le Grand Condé ، یکی از سرداران نامی فرانسه (۱۶۲۱ - ۱۶۸۶ میلادی) .

(۲) Liard ، پول مسی قدیم فرانسه که چهار عدد آن مساوی یک سو بود .

(۳) Sou ، پول مسی فرانسه که بیست عدد آن معادل یک فرانک است .

(۴) Critique .

دردی باچه آن نگاشته بود: «سردارها و صاحبمنصبها میخوانند در روزنامه اخبار محاربه را بخوانند؛ آروکات<sup>(۱)</sup>ها - و کلای دعاوی - مایلند که مطالب روزنامه با کسب و کار آنها موافق باشد؛ کشیدها اگر تمجید بی معنی در حق خود ملاحظه نکنند بدشان میآید؛ بعضی آرزو دارند نامشان با کلمه «آقا» ابتدا بشود...»

باز در همین مقدمه میگوید:

«آیا ممکن است که با اینهمه زحمت بحال من رحم نکنید؟»

در جای دیگر میگوید: «در صورتی که اکثر مؤلفین نتوانسته اند تاریخ عصر خودشان را بنویسند، خوب است قدری فکر کنید که وقایع يك روز یا يك هفته را بعجله نوشتن چقدر مشکل است. اگر بیحوصله گی شما به تنگی وقت من منضم بشود گمان میکنم جمع کردن اخبار، اصلاح و ترتیب و طبع آن در ظرف چهار ساعت، شما را به بی انصافی خودتان معترف خواهد ساخت.»

روی سخن در اینجا با معترضین است. رنودو مؤاخذ و ایراد معقول را رد نمیکند. ببینید در این خصوص چه مینویسد: «خیر، اگر بخواهم از مؤاخذات شما جلو گیری کنم سهو کرده ام. لذت مطالعه روزنامه همان لذت آزادی مؤاخذ است. سابقاً گفته ام که همین مسئله باعث ایجاد روزنامه شد. هر کدام از شماها بگوید اگر من بودم بهتر از این کار میکردم، این حرف را قبول میکنم؛ اما در يك چیز کسی را ذیحق نمیدانم، آن چیست؟ تجسس صدق و حقیقت. مندرجات روزنامه من از قبیل منقولات است، من مسئول راست و دروغ آن نیستم؛ در يك روزنامه پانصد خبر داخلی و خارجی نوشته میشود، چگونه میتوان توقع کرد که وقایع نگارهای ما در تمام آنها از جادۀ راستگوئی انحراف نمایند؟ این اشتباهات را مرور زمان تصحیح خواهد کرد.»

در جای دیگر، روزنامه را اینطور معرفی مینماید: «میان روزنامه و تاریخ کسی فرق نمیکندارد! تاریخ چیزهائی را حکایت میکند که بوقوع آمده اند. روزنامه در باب وقوع يك چیز واسطه نقل گفتگو و شایعات است. تاریخ مجبور است راست بگوید. روزنامه اگر دروغ گفتن را مانع بشود کار خوبی کرده و اگر بغرض چیزی بنویسد سزاوار تحقیر و توبیخ است.»

سال ۱۶۳۱ با يك معارضه متمادی بر رنودو گذشت. با کسانی که روزنامه او را



تقلید میکردند در زد و خورد بود. بعضی از ممالک مجاوره روزنامه او را از ورود بخاک خودشان منع میکردند. گاه لوازم مطبعه وی را در حدود توقیف مینمودند. رنودو تمام مشکلات را از پیش برمیداشت و روز بروز بر شهرت و رواج روزنامه اش افزوده می گشت.

در ۱۶۳۲ رنودو از بقای روزنامه خود مطمئن شد، در این خصوص میگوید: «در اول کار بمن اذیت میکردند، مرا از کار باز میداشتند. اما امروز از تعرضات مردم آسوده ام، روزنامه میل عموم مشترکین را بخود جلب نموده و مرا از مدافعه حیثیت خود فارغ ساخته است. از حکومتهای دور و نزدیک خواهش میکنم از روزنامه من جلو گیری نکنند، این متاعی نیست که تجارت آن ممنوع باشد، قوت سیل بامقاومت موانع زیادتیر میشود.»

قبل از اتمام تاریخ روزنامه نگاری، خوب است قدری از معاملات روزنامه رنودو گفتگو نماییم. همینکه روزنامه در اداره طبع میشد دستفروشها آن را در سبدهای مخصوص چیده دو نمره را به دوسو میفروختند و برای مشتریهای دائمی جدا گانه میفرستادند. روزنامه خیلی بمعرف میرسید. قلبینها روزنامه را استنساخ نموده عیناً آن را تقلید میکردند. ته اوقات، اسحق، اوزهپ، پسران رنودو، در ترتیب روزنامه به پدر خودشان معاونت مینمودند. مطالب روزنامه اول در کابینه ریشلیو به همراهی پرزوزف (۱) حاضر شده بعد بمطبعه میرفت. لوئی سیزدهم (۲) نیز از رفقای تحریر رنودو بود، مشارالیه بعد از وفات لوئی چنین مینویسد: «همه میدانند که پادشاه ماضی تنها بخواندن روزنامه من قناعت نمیکرد و غالباً لواح و مقالات مینوشت و میفرستاد.» در واقع ریاست امور تحریریه را کاردینال ریشلیو تصاحب کرده در محو و اثبات مندرجات روزنامه از مداخله مستبدانه کوتاهی نداشت و همین مداخله در آخر مایه خرابی و تباهی کار رنودو گردید.

در ۱۶۳۳ شماره ۴۵ گازت دو فرانس دومرتبه چاپ شد: ریشلیو میخواست در آن اوقات با اسپانیا بجنگد و مایل نبود از خاندان سلطنت فرانسه کسی با دربار اسپانیا طرح اتفافی بریزد یا در این اراده او را معارض و مخالفی باشد. از زبان شاه شرحی نوشته

(۱) Le Père Joseph، محرم و مستشار کاردینال ریشلیو (۱۰۷۷ - ۱۶۴۸).

(۲) Louis XIII، پادشاه فرانسه (۱۶۰۱ - ۱۶۴۳).

برای درج در روزنامه بتوسط آبه لوماسل<sup>(۱)</sup> با اداره فرستاد، آبه وقتی رسید که روزنامه منتشر شده بود. امر مؤکد از کاردینال صدور یافت که بهر حال لایحه مزبور در همین نمره طبع شود، رنودو جز امتثال امر چاره‌ای نداشت: از طرفی اوراق مطبوعه را بقدر امکان جمع کردند و از طرفی رنودو دستخط شاهانه را در ضمن مطالب شماره ۴۵ گنجائیده آنرا دوباره چاپ کرد.

بعد از فوت ریشلیو و لوئی سیزدهم، علمای دارالفنون پاریس و جماعتی از بدبینان و کوتاه نظران که با رنودو کینه‌ورزی داشتند او را تنها دیده از هر سمت بر وی تاختند و او را به ترویج مذهب لوتریانیسم<sup>(۲)</sup> منسوب نمودند. رنودو در مقابل این تهمتها و حقارتها ایستادگی کرد و با کمال قوت قلب بمدافعه پرداخت، لیکن تمام مساعی او بیهوده شد و حیله دشمنان نگذاشت این پیرمرد غیور از مسئولیت خلاص شود: حاکم محکمه پاریس او را از اشتغال بطبابت منع نمود. فقط روزنامه بحال خود باقی بود، کسی نتوانست آنرا توقیف کند. در ۶ دسامبر ۱۶۴۹ دربار سلطنت به سن ژرمن<sup>(۳)</sup> رفت. حسب الحکم مازارن<sup>(۴)</sup>، رنودو در آنجا مطبوعه‌ای دایر کرد که او امر رسمی ملکه آن دوتریش<sup>(۵)</sup> در آن طبع شود. در همین ایام بنا بشویق کسانی که بکسب اخبار راغب بودند، پسرهای رنودو روزنامه‌ای باسم «چاپار فرانسه»<sup>(۶)</sup> تأسیس نموده ۱۲ نسخه نشر کردند.

رنودو منتخبات حوادث روزنامه را در هر ششماه جداگانه چاپ میکرد، و همیشه از دست ارباب مطابع و مقلدین روزنامه خود در زحمت بود. در ۱۶۵۰ عدد این اشخاص از حد گذشت، موزعین اداره نیز با آنها شرکت داشتند؛ در موقعیکه سه گیه<sup>(۷)</sup> رئیس شورای دولت شد، معاش و مقرری رنودو مقطوع گردید. سه گیه، رنودو را از تحصیل اخبار و مناسباتی که با خارج داشت منع کرد، بدبختی از هر طرف به رنودو روی آورد. با آنکه عمرش به هفتاد رسیده و مفلوج بود، تا نفس و افسین فکر خویش را تعقیب نمود. در ۲۵ اکتبر ۱۶۵۳ رنودو بعارضه سکته در گذشت. پس از وی پسرانش تا

(۱) Abbé Lemasle . (۲) Lutherianisme ، طریقه مذهبی لوتر (Luther) ، مصلح بزرگ مذهبی آلمان . (۳) Saint-Germain . (۴) Cardinal Mazarin ، وزیر لوئی سیزدهم و لوئی چهاردهم ، پادشاهان فرانسه (۱۶۰۲ - ۱۶۶۱) . (۵) Anne d'Autriche ، زن لوئی سیزدهم و مادر لوئی چهاردهم (۱۶۰۱ - ۱۶۶۶) . (۶) Le Courrier Français . (۷) Pierre Séguier ، صدر اعظم فرانسه در دوره لوئی سیزدهم و لوئی چهاردهم (۱۵۸۸ - ۱۶۷۲) .



مدتی روزنامه را انتشار دادند. در ۱۷۶۱ بحکم لوئی پانزدهم (۱) «گازت دو فرانس» بوزارت امور خارجه اختصاص یافته، در انقلاب کبیر فرانسه از آنجا منفصل و از جراید عمومی محسوب شد، و هم اکنون در عالم مطبوعات باقی است.

## شهرچشمی با مجله بهار (۲)

### مجله مونسه‌ی (۳)

در میان جراید قتی عالم معتبرتر از همه، مجموعه‌های ماهانه است که انگلیسها و امریکائیان بنام ماگازین (۴) طبع میکنند. انسان از کثرت انتشار این مجموعه‌ها مبهوت و متعجب میشود! از جهت مجلات ماهیانه، فرانسه تا چندی قبل خیلی عقب بود و بطرز ماگازین چیزی نداشت، بیست سال پیش از این کتابفروشی کاتن نام مجله موند مودرن (۵) و هانت (۶) معروف لکتور بود (۷) را تأسیس نمودند که اینها مطلقاً با مجله‌های آمریکا و انگلیس لایق مطابقه و مقایسه نیستند.

برای اینکه مشترکین بهار را از غریب عالم مطبوعات و توسعه معارف دنیای جدید آگاه نمائیم، مجله‌ای را که از طرف یک نفر طابع (۸) نشر میشود در اینجا ذکر میکنیم. اسم این شخص فرانک مونسه‌ی (۹) و نام مجله او مونسه‌ی است. این مجله ماهی یکبار در ۱۶۰ صحیفه طبع میشود، کاملاً مصور و از تمام مجلات دنیا ارزاتر است، هر نمرة آن تقریباً به یک قران بول چاپ و بفروشی میشود. در مطبعه این مجله ده دستگاه ماشین طبع مکمل الکتریکی از نوع روتاتیو (۱۰) موجود است، ماشینها تویهای ضخیم عریض کاغذ را گرفته از طرفی سرعت هرچه تمامتر چاپ میکنند و از طرفی بریده روی هم میگذارند. هر یک از این چرخها ساعتی ۹۰۵۰۰ متر کاغذ بمصرف میرساند.

(۱) Louis XV، پادشاه فرانسه (۱۷۱۰ - ۱۷۷۴).

(۲) مجله بهار، سال اول، شماره ۱، مورخ ۱ تیر ۸۳۳ جلالی = ۱۲ جمادی الاخری ۱۳۲۸ هجری، صفحه ۱۵۴.

(۳) Munsey's Magazine (۴) Magazine.

(۵) Monde Moderne (۶) L.C.-F. Hachette، طابع مشهور فرانسوی (۱۸۰۰-۱۸۶۴).

(۷) Lectures pour Tous (۸) Editeur (۹) Frank Munsey.

(۱۰) Rotatif، دستگاه طبع که بجای ورق کاغذ، توی کاغذ مصرف میکند.